

The Pivotal Issues of Iranian Economy Today
Hossein Abdoh Tabrizi, Speech Delivered at a Seminar Held by Donya-e-Eghtesad
Newspaper in Tehran, November 15, 2018

مسائل محوری امروز اقتصاد ایران

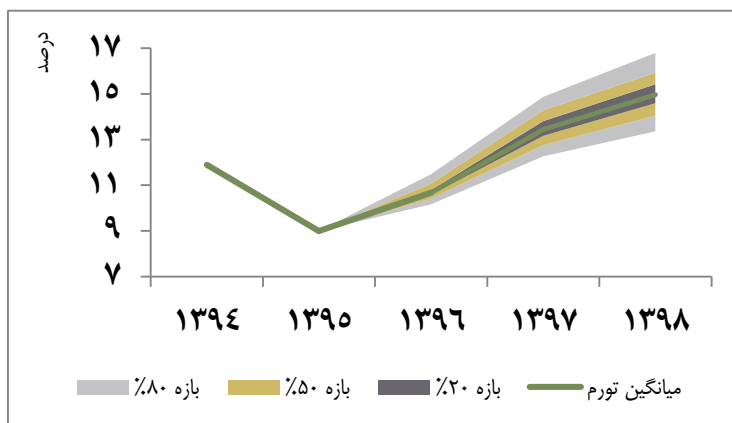
اگر به پیش‌بینی‌های انجام‌شده در مورد نرخ رشد یا نرخ تورم در ایران برای سال‌های ۹۶ و ۹۷ نگاهی بیندازید، می‌بینید که تصویر حاصل تفاوتی معنادار با ارقام واقعی دارد؛ تصویری متفاوت با آنچه ما اکنون از آینده سال ۱۳۹۷ یا سال ۱۳۹۸ در ذهن داریم. جدول زیر پاره‌ای از پیش‌بینی‌ها را نشان می‌دهد.

پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ (درصد)

موسسه مطالعاتی بامداد در سال ۹۷	بودجه سال ۱۳۹۷ کشور	بودجه سال ۱۳۹۶ کشور	مرکز پژوهش‌های مجلس	بانک جهانی	صندوق بین‌المللی پول	نهاد پیش‌بینی‌کننده
۳.۹٪	۷	۷.۷	۳.۷	۴	۴.۲	سال ۱۳۹۶

پیش‌بینی نرخ تورم در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ (درصد)

موسسه مطالعاتی بامداد در سال ۹۷	بودجه سال ۱۳۹۷ کشور	بودجه سال ۱۳۹۶ کشور	مرکز پژوهش‌های مجلس	صندوق بین‌المللی پول	نهاد پیش‌بینی‌کننده
۱۵٪	۹	۷.۶	۱۰.۹	۱۱.۲	سال ۱۳۹۶



مثلاً ارقامی که ما امروز از تورم در پایان سال ۱۳۹۷ در ذهن داریم از ۳۰ درصد در این سال فراتر می‌رود، و برای سال ۱۳۹۸، رقم را حتی بسیار بالاتر می‌دانیم. اما نظرسنجی انجام‌شده در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۵، حاکی از تصویری است که در شکل مقابل می‌بینند. همه کسانی که پیش‌بینی

کرده‌اند، رقم را تا پایان سال ۱۳۹۸ هم کمتر از ۲۰ درصد دیده‌اند.

البته در سال ۱۳۹۶ اقتصاددانان مدل‌سازی هم بوده‌اند که با توجه به متغیرهایی چون نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد نقدینگی و پیش‌بینی تخلیه اثر نقدینگی انباشته سال‌های ۹۳ تا ۹۶، چشم‌انداز نرخ تورم متوسط تا پایان سال ۱۴۰۰ را ۲۷/۲ درصد تخمین زده‌اند. اما حتی این مطالعات بنیادین نتوانستند تأثیر تصمیم ترامپ در خروج از برجام را بر انتظارات مردم، نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی کشور تا حد درستی پیش‌بینی کنند.

این‌که این پیش‌بینی‌ها درست از آب درنیامد را ناچاریم به تحریم‌ها ربط دهیم. ترامپ با خروج از برجام، ماشه اسلحه نقدینگی کشور را چکاند، و نقدینگی‌ای که همه اقتصاددانان ایران از به گردش درآمدن آن نگران بودند، به حرکت درآمد. چنین است که دو مسئله تحریم و نقدینگی به مسائل محوری و اساسی امروز اقتصاد ایران بدل شد.

اهداف امریکا از اعمال تحریم، تغییر رفتار در برابر کاهش تحریم (معامله) اعلام شد، اما بسیاری معتقد بودند و هنوز هم هستند که امریکا می‌کوشد با تضعیف و ایجاد نارضایتی، هدف تغییر رژیم را دنبال کند؛ هدف از تحریم در این دوره بیشتر از آنکه رسیدن به یک معامله باشد، عمدتاً جهت‌گیری تضعیف تا مرز تغییر رژیم یا قلب ماهیت آن است. بسیاری از تحلیل‌گران در داخل ایران نیز معتقدند امریکا اولاً با تعیین زمان‌بندی کوتاه‌مدت دو‌گانه از طریق تأثیرگذاری بر محیط اقتصاد خارجی و داخلی در حال تضعیف اقتصاد ایران است. و ثانیاً با تعریف، تنظیم و مقداردهی آنچه که معافیت در قبال تهدیدها و جرائم می‌خواند، تلاش می‌کند رفتار بازیگران اقتصادی مرتبط با ایران را جهت داده و کنترل کند. توضیح دیدگاه اروپا در برابر سیاست و تحریم‌های جدید امریکا ساده نیست. عده‌ای معتقدند وضعیت جاری بین امریکا و اروپا به معنای اختلاف واقعی در پیمان سنتی فرائاتلنتیکی است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران چنین اعتقادی دارد. مجلس شورای اسلامی بیشتر معتقد است اختلافات جزئی است و بعضی نهادها هم در ایران معتقدند این اختلاف‌ها صوری است.

به هر حال، این نقطه‌نظرها نهایتاً به دو گروه سناریو منجر می‌شود. سناریوهایی که حاکی از توانایی اروپا در جلوگیری از اصابت تحریم‌ها به شرکت‌های اروپایی یا نفع‌رسانی به اقتصاد ایران به شیوه‌های دیگر است. و سناریوهایی که می‌گوید اروپا در بسیاری از حوزه‌ها به‌رغم خواست مساعدت، در عمل ناتوان است.

ایران طبعاً برنامه‌هایی برای مقابله با تحریم‌ها به اجرا درآورد. بعضی از آن‌ها کوتاه‌مدت و تا مقطع ۱۳ آبان بود، بعضی میان‌مدت است که تا پایان سال ادامه دارد. پاره‌ای از آن‌ها بلندمدت است که دامنه آن تا سال ۱۴۰۰ می‌رود. کم نیستند کسانی که معتقدند تحریم‌های جاری ممکن است مدت‌ها طول بکشد و عمر طولانی‌تری از تحریم‌های قبلی داشته باشد.

دولت و نظام طبعاً در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجرایی، حقوقی و قضایی و فرهنگی می‌کوشند برنامه‌هایی را برای مقابله با تحریم‌ها به اجرا درآورند. در اینجا من به بعضی از برنامه‌هایی اشاره می‌کنم که در حوزه اقتصاد به اجرا درآمد یا در دست اجراست.

به دلیل افزایش نقدینگی کشور و این که این نقدینگی به ۱۷۰۰ ه.م.ت بالغ شده و ترس از این که در صورت تبدیل کسری از شبه پول به سپرده‌های جاری، جهش قابل ملاحظه‌ای در حجم پول و جهش تورم حاصل شود، دولت برخی اقدامات را در این حوزه آغاز کرد. مثلاً، برای ورود بانک‌ها به بازارهای حساس ممنوعیت‌هایی ایجاد کرد، مقرراتی برای نظارت بر گردش وجوه بزرگ در حساب‌های بانکی تصویب کرد، و پیشنهادهای جذاب برای سرمایه‌گذاری با سررسید بلندمدت مانند انتشار صکوک و ... برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی کشور ارائه کرد. البته این اقدامات متأسفانه در چارچوب بسته اصلاحی یکپارچه‌ای انجام نمی‌شود و به‌ویژه شاهد شروع اصلاحات بانکی نیستیم.

در حوزه مدیریت ارزی، چون حجم قابل ملاحظه‌ای از عواید ارزی کشور در خارج نگهداری می‌شد و در معرض بلوکه شدن بود، اقداماتی برای انتقال ذخایر ارزی به داخل کشور، تبدیل ذخایر به طلا، و خرید کالاهای مورد نیاز کشور به قصد تحویل تا قبل از مواعید تحریمی ضرورت داشت.

چون نقل و انتقال‌های مالی هم محدود می‌شد، استفاده از منابع ارزی موجود در خارج با موانع و هزینه‌های معتناهی برای انتقال به داخل یا انتقال به مقصد خرید مواجه بود. از این رو حرکت‌هایی برای احیا و تقویت شبکه تراستی‌های موجود طراحی شد. با طرف‌های تجاری برای تعیین تعداد بیشتری بانک‌های طرف تعامل مانند کنلن و هالک مذاکره شد. برای استفاده از مناطق آزاد برای ایجاد شعب بانک‌های طرف تعامل تلاش‌هایی شد.

از آنجا که بیم آن می‌رفت که سوئیفت متوقف شود، تمهید سازوکاری برای جایگزینی آن ضروری بود. از این رو، اشکالات سامانه پیام‌رسانی الکترونیکی مالی (سپام) رفع شد و کلیه بانک‌های ایرانی ملزم به عضویت و استفاده از آن شدند. همچنین رایزنی شد که ایران به شبکه‌های خارجی مشابه متصل شود.

اینها اقدامات فوری‌تری بود که باید صورت می‌گرفت. اما دولت و نظام در بازار ارز نیز اقداماتی کردند. اول این که اجرای طرح پیشنهادی مجلس (متعاقب مصوبه ۲۲/۱/۹۷ دولت) جهت تأمین ارز ترجیحی کالاهای اساسی و تأمین بقیه تقاضا با نرخ بازار آزاد (همان بسته ارزی جدید دولت) دنبال شد. ممنوعیت تخصیص ارز برای واردات کالاهای لوکس و غیرضروری و کالاهایی که مشابه تولید داخل دارد مدنظر قرار گرفت. امکان فعالیت بانک‌ها و صرافی‌های مجاز در بورس ارز بررسی شد. پیمان‌سازی ارزی عملاً به اجرا درآمد. حتی استفاده از ارزهای رمزنگار هم بررسی شد که به نتیجه‌ای منجر نشد.

دولت البته توجه زیادی هم به کالاهای اساسی داشت، چرا که کمبود کالاهای اساسی نه تنها امنیت غذایی و اقتصادی که حتی امنیت اجتماعی را به خطر می‌انداخت.

در این مسیر غیر از تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی، ذخیره‌سازی اقلام استراتژیک کشور از جمله گندم، دانه‌های خوراک دام، دارو و تجهیزات پزشکی، مواد اولیه و واسط صنایع برق، قطعات صنایع هواپیمایی و ... مورد توجه قرار گرفت. بحث بسته‌های غذایی و استفاده از کارت‌های هوشمند ملی (واجد اطلاعات اقتصادی خانوار) برای اطمینان از رساندن کالاهای اساسی و سایر خدمات اساسی به گروه‌های آسیب‌پذیر در سازمان برنامه بررسی شد.

انرژی نیز از حوزه‌ی توجه دولت دور نماند. چشم‌انداز مشکلات در فروش نفت، گاز، میعانات گازی، ... باید بررسی می‌شد. از این رو می‌دانیم که امروزه سهمیه‌بندی بنزین (با توجه به مشکل آغاز شده در واردات بنزین) در جریان است. ضمناً دولت به دنبال شناسایی و برطرف کردن موانع اجرایی شدن تفاهمنامه ایران و روسیه است که از طریق آن، کشور بتواند تحرک‌هایی داشته باشد. انعقاد تفاهمات مشابه با سایر کشورها (چین، ...) مورد بحث است. تجهیز مالی فوری شرکت‌های توانمند حوزه برق برای تأمین تجهیزات حیاتی مربوطه برای استمرار فعالیت در مدت تحریم‌ها نیز در دولت مصوب شد و برای رفع مشکلات مالی شرکت‌های حوزه برق، به منظور رفع بحران قطعی‌های سال جاری و آتی اقداماتی شد.

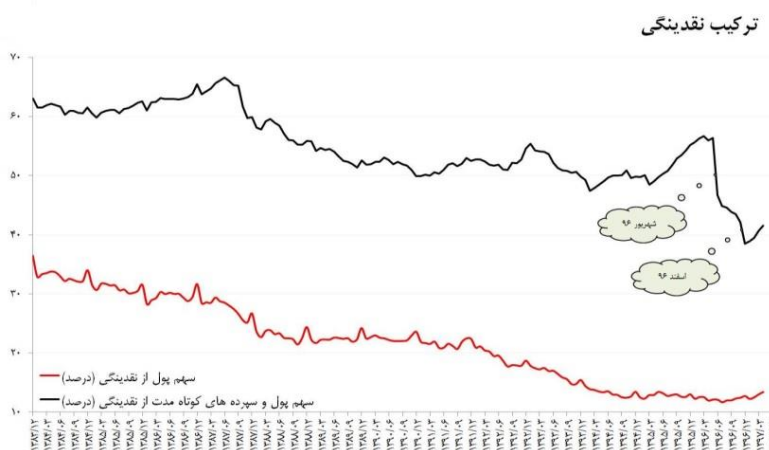
در حوزه فرهنگ نیز اقدامات کوتاه‌مدتی صورت گرفت و در حوزه قضایی نیز برخی اقدامات تنبیهی طراحی شد. این اقدامات را در روزهای اخیر شاهد بوده‌ایم. تنبیه خرید و نگهداشت عمده ارز و سکه برای میان‌مدت به تفکیک حقوقی و حقیقی در شمول قوانین احتکار درآمد. خرید سکه و ارز به وسیله شرکت‌های دولتی و تابعه و وابسته و همچنین برای مدیران مؤسسات فوق و بستگان درجه یک و دو آنان ممنوع شد. در مورد خانه‌ها و املاک تجاری خالی بحث‌هایی شد. مجازات راجع به قانون قاچاق و کالا و ارز در خصوص افرادی که با ارز دولتی کالای خارجی وارد کرده و کالا را معادل ارز آزاد به فروش رسانده‌اند، به طور جدی‌تر دنبال شد، و مجازات راجع به احتکار درباره افرادی که با ارز دولتی کالا وارد کرده و از عرضه آن جلوگیری می‌کنند، نیز اعمال شد. از اقدامات تشویقی هم در این زمینه‌ها صحبت شد.

این‌ها اقداماتی بود که دولت در کوتاه‌مدت به اجرا درآورد یا بدان‌ها پرداخت. برنامه‌هایی هم دولت برای میان‌مدت و بلندمدت دارد. می‌توانیم با این اقدامات موافق یا مخالف باشیم و اما صرف وجود آن‌ها بدین معناست که دولت تحریم‌ها را به عنوان واقعی پذیرفته، و به مقابله با آن‌ها پرداخته است. در همایش‌هایی از این دست، می‌باید کارشناسان سیاسی را به جلسه دعوت کنند تا سناریوهای آن‌ها را از تحریم بشنویند و متناسباً برای آینده بنگاه‌هایتان برنامه‌ریزی کنید. اما اجازه دهید به بحث اقتصادی محوری این ارائه پردازم و سعی کنم وضعیت نقدینگی را که فکر می‌کنم مهم‌ترین متغیر است، توضیح دهم.

در تعیین نرخ تورم که حوزه نگرانی کشور است، غیر از سیاست‌های بودجه‌ای و سیاست‌های ارزی، طبعاً در مرحله نخست سیاست‌های پولی اهمیت دارند. محور این سیاست‌ها می‌باید آن باشد که نقدینگی متناسب با تولید کالاها و خدمات، یعنی متناسب با نرخ رشد اقتصاد در بخش حقیقی، افزایش یابد. اما، اقتصاد ایران در میان معدود کشورهایی است که در طول چند دهه نرخ رشد نقدینگی بالاتر از ۲۰ درصد در جهان داشته است.

وقتی روند رشد نقدینگی در طول ۵۰ سال گذشته را مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که غیر از سال‌های دهه ۴۰، این نرخ بالا بوده و چند قله داشته است. در دوره قبل از انقلاب، به‌رغم نرخ رشد بالا، به دلیل درآمدهای سرشار نفتی در دهه ۷۰ میلادی، شاهد آن هستیم که برای اولین بار رژیم پهلوی نرخ تورم بالای نزدیک به ۲۰ درصد را در سال‌های میانه دهه ۵۰ شمسی تجربه می‌کند. در دهه ۷۰ شمسی نیز شوک نفتی دوم نرخ تورم را به ۵۰ رساند. رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۵ نیز به اوج خود رسید و رقم ۳۹/۴ درصد را تجربه کرد، اما دولت با پایین نگاه داشتن قیمت ارز و بسط واردات بی‌رویه، از بروز تورم جلوگیری کرد. اما پس از افزایش قیمت نفت، کشور بار دیگر در دهه ۸۰ شمسی بیماری هلندی و نرخ بالای تورم را تحمل کرد. نرخ تورم بالایی که اکنون ما برای سال‌های ۹۷ و ۹۸ توقع داریم، دلایل کاملاً متفاوتی دارد. این نرخ‌ها دیگر حاصل نرخ رشد بالای قیمت نفت، حجم بالای فروش ارز دولتی به بانک مرکزی یا ... نیست. این بار متغیر آزاردهنده وضعیت بانک‌هاست که با پرداخت سود موهوم، نقدینگی را بشدت افزایش داده و نسبت تولید ملی به نقدینگی را کاهش داده‌اند.

در واقع نمودار زیر نشان می‌دهد که در طول دولت‌های آقای روحانی سهم پول از نقدینگی و حتی سهم پول و سپرده‌های کوتاه‌مدت از نقدینگی کاهش می‌یابد، یعنی به دلیل پایه پولی، نقدینگی افزایش نیافته است.



در طول این سال‌ها سهم پول از نقدینگی (درصد) ۱۸/۷ درصد (در سال ۹۲) به ۱۳٪ (در سال ۹۷) کاهش یافته و برعکس سهم شبه پول از ۸۱ درصد (در سال ۹۲) به ۸۷٪ (در سال ۹۷) رسیده است. جدول زیر ارقام پولی این دوره را نشان می‌دهد.

ارقام عمده پولی و اعتباری (هزار میلیارد ریال)

متغیر	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	تیر ۱۳۹۷
پول	۱۱۹۶	۱۲۰۷,۶	۱۳۶۷	۱۶۳۰,۳	۱۹۴۶,۷	۲۱۴۹,۱
شبه پول	۵۱۹۹,۵	۶۶۱۶,۳	۸۸۰۵,۸	۱۰۹۰۳,۶	۱۳۳۵۳,۱	۱۳۸۷۳,۴
نقدینگی	۶۳۹۵,۵	۷۸۲۳,۹	۱۰۱۷۲,۸	۱۲۵۳۳,۹	۱۵۲۹۹,۸	۱۶۰۲۲,۵

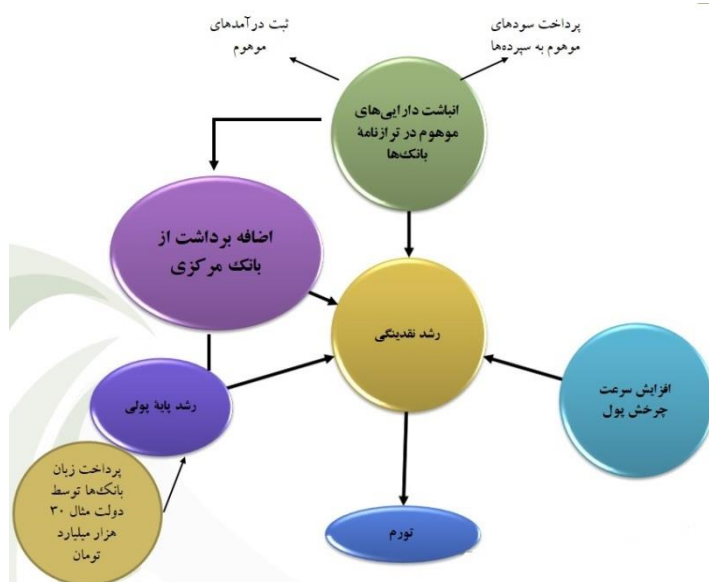
حال وقتی کمیت‌های پولی دوره‌های مختلف را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که در دوره ۹۶-۹۳، رشد پایه پولی و متوسط رشد حجم پول نسبت به دوره‌های تورم بالایی چون دهه ۷۰ و ۸۰ کاهش یافته، اما متوسط رشد حجم نقدینگی بالاتر هم رفته است.

دلیل افزایش نقدینگی در این دوره چیست. نگاهی به ترکیب افزایش پایه پولی در دولت یازدهم و دوازدهم بیانگر آن است که این افزایش دیگر مربوط به افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی نیست (آنچه در دولت احمدی‌نژاد به دلیل قیمت نفت بالاتر داشتیم)؛ هفتاد درصد رشد پایه پولی به دلیل افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است. در واقع، سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از رشد پایه پولی در بعضی سال‌ها آن‌قدر بالا بوده که رشد آن در سالی چون ۱۳۹۳، بیش از دو برابر کل نرخ رشد پایه پولی بوده است. این اضافه برداشت‌ها عمدتاً مربوط به بانک‌های خصوصی بوده است. یعنی این بانک‌ها با پرداخت نرخ‌های سود بالا، دائماً ناترازی داشته‌اند، و با قرض‌شدن حساب آن‌ها نزد بانک مرکزی، به زندگی ناسالم خود ادامه داده‌اند.

در سال‌های اخیر به دلیل وجود بانک‌های ناسالم و رقابت برای کسب سپرده، نرخ‌های سود بالایی توسط بانک‌ها و حتی دولت پرداخت شده است؛ به گونه‌ای که از سال ۹۲ تا ۹۶، سپرده‌گذاران سودهای حقیقی حتی ۱۵ درصدی گرفته‌اند. دولت و بازار بین‌بانکی نیز از همین نرخ‌ها تبعیت کرده‌اند.

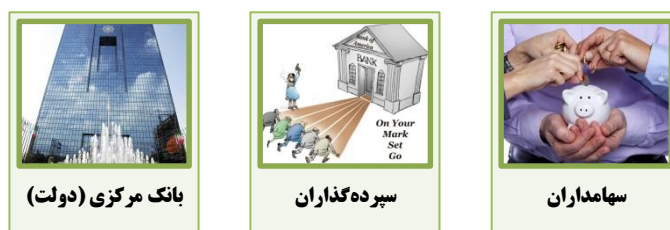
این سودهایی بوده که بانک‌ها هرگز بدست نیاوردند و پرداخت کردند؛ محل تأمین این سودهای موهوم در سال‌های اخیر همواره بانک مرکزی بوده است. همین وضعیت نیز نرخ نقدینگی را بشدت افزایش داده و تورم بالایی را برای سال‌های ۹۷ و ۹۸ رقم خواهد زد؛ تورمی که به دلیل نرخ سود بالای بانکی و نرخ گردش نازل، خود را در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ نشان نداد و به تأخیر افتاد.

مشاهده می‌کنیم که قبل از دهه ۹۰، بانک‌های کشور در چهار ده به طور دائم با پرداخت نرخ سود حقیقی منفی به حیات خود ادامه داده بودند؛ با پرداخت نرخ‌های سود حقیقی بسیار مثبت طی چند سال، این بانک‌ها و مؤسسات مالی از پای درآمدند، و اکنون دچار مشکلات جدی‌اند.



نمودار مقابل نشان می‌دهد که چگونه با انباشت دارایی‌های موهوم در ترازنامه بانک‌ها، نقدینگی رشد کرده و به تورم جاری و جهش نرخ ارز انجامیده است.

موضوع اصلی پیش‌روی دولت آن است که زیان‌های بانکی از چه محلی پرداخت شود؟ تأمین‌کنندگان عمده هزینه‌های بحران بانکی سه گروه زیراند:



منابع سهامداران که نسبت به کل زیان رقم کوچکی است؛ در شرایط امروز اقتصاد سیاسی ایران، آیا می‌توان زیان‌ها را مستقیم به سپرده‌گذاران منتقل کرد؟ پاسخ منفی است. به نظر می‌رسد دولت و بانک مرکزی باید جور این زیان‌ها را بکشند؛ به بیان دیگر، مردم به طور عام غیرمستقیم زیان‌ها را تقبل کنند: از محل تورم و یا از محل فروش نفت. به هر حال، دستگاه تولید سود موهوم بانک‌ها می‌باید هر چه زودتر متوقف شود تا زیان‌ها از مقادیر جاری فراتر نرود و بحران بزرگ‌تر نشود.

نمودار زیر بیانگر آن است که به‌رغم رقیق‌تر بودن رشد پایه پولی و رشد حجم پول در سال‌های ۹۷-۹۳، رشد نرخ ارز این بار بسیار شدیدتر بوده است. یک دلیل می‌تواند تأخیر در انتقال افزایش نقدینگی روی قیمت‌های ارز باشد. طی این دوره به دلیل پرداخت نرخ‌های سود موهوم بالا، حرکت وجوه در بانک‌ها کند شد، و وقتی دارندگان وجوه نگران ارزش پول ملی شدند، بسرعت وجوه خود را حرکت داده و قیمت‌های طلا و ارز را بالا بردند. برخلاف دوره جهش ارز ۷۴-۱۳۷۱ یا ۹۲-۸۹، این بار در دولت دوازدهم، جهش ارز شدیدتر است و به ۶۰٪ (متوسط سه نرخ جاری) رسیده است.

متوسط نرخ رشد پایه پولی، حجم پول، حجم نقدینگی و نرخ ارز بازار آزاد

دوره	رشد پایه پولی	رشد حجم پول	رشد حجم نقدینگی	رشد نرخ ارز
۱۳۷۱-۷۴	۲۹.۶	۳۱.۸	۳۱.۴	۳۱.۳
۱۳۸۹-۹۲	۱۸.۵	۱۸.۹	۲۶.۱	۳۷.۱
۱۳۹۳-۹۷	۱۶	۱۳.۳	۲۶.۷	۵۵.۹

اقتصاد بی‌شک منطق خود را دارد. فشار بر نرخ ارز و پایین نگاه‌داشتن آن که زیان‌های نمودار زیر را دارد، برای همیشه ممکن نیست.

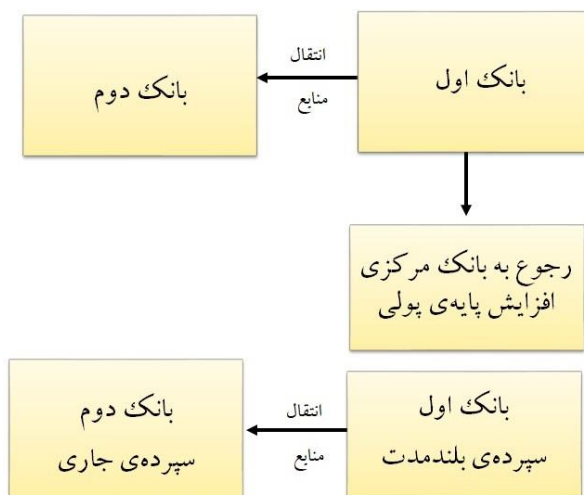


در پایان سال ۹۶، قیمت ارز فرصت آن را یافت که جهش کند و این جهش تا تیرماه سال ۹۷ آن‌چنان شدید بود که می‌توان گفت قیمت ارز به دلیل آن و نیز سوءمدیریت دولت فراتر از نرخ‌های تعادلی رفت و اصطلاحاً overshoot

کرد. البته با تورمی که برای ماه‌های آینده انتظار داریم، عملاً این نرخ فراپرش کرده به نرخی تعادلی بدل خواهد شد. البته، اعتقاد بنده آن است که در کوتاه‌مدت (تا پایان سال جاری) قیمت ارز در بازار آزاد فراتر از حد بالای دامنه جاری آن (بین ۱۳ تا ۱۵ هزار تومان) نخواهد رفت.

بی‌شک نقدینگی بالا این بار هم فرصت آن را یافت که خود را بر نرخ ارز و نهایتاً نرخ تورم تحمیل کند. وقتی سپرده‌گذاران بانکی نگران ارزش پول ملی می‌شوند، به سمت طلا و ارز هجوم می‌برند. این بار نیز سودهای موهومی که بانک‌ها توزیع کرده بودند، تبدیل به نقدینگی ای شد که حالا دیگر به دنبال ارز و طلا می‌گردد. وقتی خریدار ارز یا طلا به صراف مراجعه کرده و سپرده بلندمدت خود را به ارز خارجی یا طلا تبدیل می‌کند، یعنی زمانی که شبه پول به حرکت درمی‌آید، بانک وی ممکن است نقدینگی کافی نداشته باشد؛ در غیبت بازار بین بانکی قدرتمند، بانک او به بانک مرکزی رجوع کرده و پایه پولی را افزایش می‌دهد. البته طرف دریافت کننده ریال آن را در بانک خود سپرده جاری می‌گذارد. یعنی مدار پول، مداری بسته است. اما تغییر سپرده بلندمدت به کوتاه‌مدت و حرکت وجوه از بانکی به بانک دیگر خود می‌تواند منشاء افزایش حجم نقدینگی شود. نمودار زیر این واقعیت را نشان می‌دهد.

اثر سرعت چرخش بر تورم

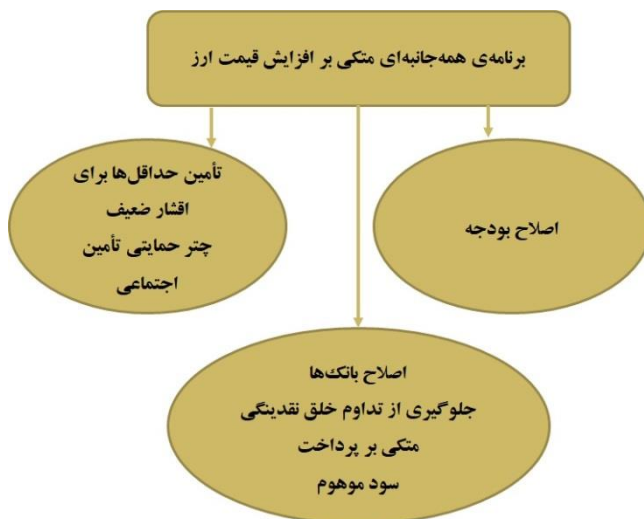


بنابراین، در دوره جدید شکاف نرخ تورم و نرخ سود بانکی عامل اصلی خلق نقدینگی بالا شد و ارز به مثابه بحران همزاد با بحران بانکی خود را نشان داد. بی‌شک تصمیم ترامپ به خروج از برجام، ماشه این فرایند را چکاند.

طبعاً دولت امروز بیش از هر زمان نگران شروع مسابقه نرخ تورم با نرخ ارز است؛ چنین دوگانه‌ای بروز نرخ‌های تورم لجام گسیخته را دامن خواهد زد. برای احتراز از آن، لازم است بحران بانکی حل شود و از ادامه پرداخت سودهای موهوم

توسط بانک‌ها جلوگیری شود. نمودار زیر بیانگر آن است که برای اجتناب از تورم لجام گسیخته، مجموعه‌ای از برنامه‌های اصلاحی می‌باید به اجرا درآید.

اصلاحات برای اجتناب از تورم لجام گسیخته



اولاً کسری بودجه کنترل شود؛ امری که در سال آینده با توجه به درخواست افزایش دستمزدها، به دشواری ممکن است. ثانیاً برای تأمین حداقل‌های معیشتی جهت اقشار ضعیف، چتر حمایتی تأمین اجتماعی گسترده شود و بالاخره نظام بانکی اصلاح شود. همه این‌ها کارهای شاق و دشواری است که دولت می‌باید انجام دهد. جهت موفقیت دولت، لازم است نظام حمایت کاملی از دولت به عمل آورد. اگر از این مسیر حرکت نکنیم، تورمی لجام گسیخته - آن‌گونه که در نمودار زیر مسیر آن نشان داده شده - در انتظار اقتصاد ایران است. مسیری که با خواست تحریم‌های امریکا که هدف به صفر رساندن تولید در ایران را دنبال می‌کند، هماهنگی کامل دارد. اگر تورم ابعاد گسترده‌ای یابد، نه تنها تولید، بلکه حتی تجارت به سمت صفر میل می‌کند. چرا که کنشگران تولید و تجارت نمی‌دانند به چه قیمت می‌باید اجناس خود را بفروشند تا قادر به جایگزینی آن‌ها باشند؛ نمی‌دانند به چه قیمت نهاده‌های خود را بخرند که قابل فروش باشد؛ و نمی‌دانند که چه سطحی از هزینه‌ها را می‌توانند تحمل کنند. نرخ لجام گسیخته ارز و تورم، پایداری را از اقتصاد می‌گیرد. باید از آن اجتناب کرد. نقطه شروع، کنترل نقدینگی و رعایت کلیه الزامات آن توسط دولت و نظام است.